



## بررسی کاربست شاخصه‌های پاسخ‌گویی مؤفق در پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی

داوود افقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

رضا برنجکار<sup>۲</sup>

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

### چکیده

مهم‌ترین جنبه دفاعی علم کلام، پاسخ به شبهات اعتقادی است. قرآن کریم به‌عنوان اساسی‌ترین منبع اسلامی، به شبهات اعتقادی پاسخ داده است و بخشی از کارکرد آن، معطوف به این موضوع است. در این نوشتار، ضمن بیان شاخصه‌های پاسخ‌گویی مؤفق به شبهات و سؤالات، نحوه به‌کارگیری آن‌ها توسط قرآن در پاسخ به شبهات اعتقادی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. این بررسی می‌تواند، مدل و تصویر روشنی از جهت‌گیری‌های کلی قرآن در این زمینه ارائه دهد. اقتناع کامل مخاطب با ابزارهای مشروع و صحیح، اهتمام به هدایت و ایجاد زمینه و فرصت اصلاح، توجه به مخاطب و در نظر گرفتن شرایط و خصوصیات او، استحکام و اتقان در عین ساده و روان بودن پاسخ‌ها، تکیه بر دلیل و برهان و ارائه پاسخ در فضایی آرام و به دور از تشنج، مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که قرآن، در پاسخ به شبهات اعتقادی به نحو دقیق و کامل به‌کار گرفته است. شاخصه‌های فوق، با اهداف و انتظارات قرآن از پاسخ به شبهات هم‌سو بوده و در شکل‌گیری و انتخاب روش و محتوای پاسخ، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

### واژگان کلیدی

پاسخ‌گویی قرآن، شبهات اعتقادی، شاخصه‌های پاسخ‌گویی، هدایتگری، اقتناع، برهان.

۱. استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، نویسنده مسئول (ac.ofoghi@azaruniv.ac.ir).

۲. استاد تمام دانشگاه تهران و عضو پیوسته انجمن کلام حوزه علمیه قم (berenjkar@ut.ac.ir).

## مقدمه

علم کلام دارای دو بخش و جنبه اساسی است: جنبه استنباطی و جنبه دفاعی.<sup>۱</sup> پاسخ به شبهات اعتقادی، مهم‌ترین بخش از جنبه دفاعی علم کلام است. این موضوع در قرآن مورد توجه جدی قرار گرفته است. قرآن کریم به شبهات اعتقادی پاسخ داده است. بخشی از تلاش و کارکرد قرآن، معطوف به این مسئله است. از جمله مسائلی که در پاسخ‌گویی قرآن به شبهات اعتقادی مطرح است، شاخصه‌ها و ویژگی‌های پاسخ‌های قرآن است. این مقاله در صدد کشف، شناسایی و تحلیل شاخصه‌های پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها توسط قرآن کریم است. شناخت این شاخصه‌ها، می‌تواند بهترین الگو برای کسانی باشد که دغدغه حفظ و دفاع از حریم عقاید دینی را داشته و به دنبال پاسخ‌گویی موفق به شبهات هستند؛ زیرا آنچه خالق انسان و جهان فرموده، بر اساس واقعیات وجود انسان و با تسلط بر تمامی جنبه‌های وجودی او است که می‌تواند مسیر کامل و درست مواجهه و پاسخ‌گویی مؤفق را نشان دهد و از اشتباه‌ها پیشگیری کند. نگارنده در پژوهشی مفصل، با مطالعه کل قرآن کریم و استخراج حدود ۵۰۰ آیه، روش‌ها و شیوه‌های پاسخ‌گویی قرآن به شبهات اعتقادی را مورد بررسی قرار داده است. در این جا با واکاوی این آیات و تأمل در معانی و مختصات آن‌ها، ضمن بیان مهم‌ترین شاخصه‌های پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود:

### ۱. اقناع مخاطب

«اقناع» در زبان عربی از ریشه «قنع» است و در کتاب‌های لغت چند معنا برای آن ذکر شده است. یکی از این معانی رضایت و خشنودی است. معنای دیگر، سؤال و پرسش و معنای سوم، بالا بردن است. «اقنع رأسه» یعنی سرش را بالا برد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۷۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱: ۱۷۲؛ صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۸۵؛ ابن فارس، ۱۳۷۸: ۸۳۹). در

۱. این مسئله از تعاریفی که برای علم کلام بیان شده، کاملاً مشهود است (برای آشنایی با برخی از تعاریف ر.ک: تهانوی، ۱۹۹۶م: ۲۲؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ۴۷۵؛ لاهیجی: ۱۴۲۶ق، ۱: ۶؛ جرجانی، ۱۳۲۵ق، ۱: ۳۴). در تعریف جامعی که از کلام ارائه شده، آمده است: «کلام، دانشی است که درباره اعتقادات دینی به شیوه عقلی و نقلی بحث می‌کند و ضمن استنباط این اعتقادات از منابع آن، به تبیین، تنظیم و اثبات اعتقادات دینی پرداخته، به شبهات و اعتراض‌های مخالفان پاسخ می‌گوید» (برنجکار، ۱۳۹۱: ۲۱).

لغت‌نامه‌های فارسی، اقناع به سر و چشم برابر چیزی داشتن، سر را برداشتن و به جانبی التفات کردن، خشنود گردانیدن و راضی کردن معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲: ۳۱۲۹).

امروزه اقناع بیشتر در حوزه دانش ارتباطات طرح می‌شود و در این دانش، تعاریف گوناگونی برای این اصطلاح بیان شده است؛ از جمله در تعریف آن گفته شده است: «اقناع، فرآیندی ارتباطی است که هدف آن، نفوذ در گیرنده پیام است؛ به این معنا که یک پیام ترغیبی، یک نظر یا رفتار را به شکلی داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام، مؤثر واقع شود» (حاجی‌پور و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹) یا گفته شده است: «اقناع، فرآیندی ارتباطی است که هدف اساسی آن، انتقال محتوا با تأثیرگذاری بر مخاطب است» (شاکر و حاجی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱). بنابراین می‌توان گفت که اقناع مخاطب، مساوی با تأثیرگذاری و تغییر در مخاطب است. این تأثیرگذاری و تغییر، ابتدا در ساحت اندیشه انسانی صورت می‌گیرد؛ پس هدف اولیه، اقناع اندیشه مخاطب است، در ادامه نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مخاطب نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مراد از اقناع در این بحث - که مربوط به پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی است -، قانع و متقاعد کردن مخاطب است، به گونه‌ای که نگرش او را به مسئله مورد شبهه و سؤال، تصحیح کرده و تغییر دهد و باعث زدودن شبهه شود.

اقناع مخاطب، جایگاه مهمی در موفقیت پاسخ‌گویی دارد. از شاخصه‌های مهم پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، اقناع مخاطب است و همه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، واجد این شاخصه هستند. قرآن از پاسخ به شبهه، تنها به دنبال غلبه و اسکات مخاطب نیست، بلکه اقناع اندیشه مخاطب و متقاعد ساختن او را نیز تعقیب می‌کند. اصولاً رفع شبهه و زدودن آن بدون اقناع مخاطب امکان ندارد؛ چرا که بدون اقناع، مخاطب در ذهن، فکر و درون خود، عذر و بهانه‌ای برای تبعیت از مفاد شبهه و گرایش به آن، به وجود می‌آورد و این به معنای پابرجا و زنده بودن شبهه است. فرمایش امام صادق علیه السلام در تبیین جدال احسن، به این مسئله اشاره دارد. آن حضرت ضمن بیان چند نمونه از جدال‌های قرآنی و تذکر آن‌ها به عنوان مصادیقی از جدال احسن، معیار و ملاک جدال احسن را این‌گونه معرفی می‌فرماید: «فَهَذَا الْجِدَالُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، لِأَنَّ فِيهَا قَطْعَ عُدْرِ الْكَافِرِينَ وَإِزَالَهَ شُبُهَتِهِمْ» (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۳) و تا اقناع مخاطب صورت نگیرد، عذرها، بهانه‌ها و توجیه‌ها قطع نمی‌شود. تمامی پاسخ‌های قرآن، این شاخصه را دارا هستند و قرآن به نحو دقیقی آن را در پاسخ‌های خود لحاظ کرده است. هر انسان منصفی، اگر بدون لجاجت و تعصب و با آزاداندیشی و حریت به سراغ پاسخ‌های قرآن برود،

بی شک متقاعد و قانع خواهد شد.

اقتناع مورد نظر قرآن، اقتناع کامل است. قرآن نه تنها به دنبال اقتناع اندیشه مخاطب است، بلکه فراتر از آن، اقتناع روح و وجدان مخاطبان خود را نیز تعقیب می‌کند. ممکن است ذهن و فکر انسان در اثر استدلال و اقامه برهان در مورد یک مسئله قانع شود، اما این قانع شدن همواره مساوی با تصدیق و رضایت درونی نیست. به تعبیر شهید مطهری، «بسیار اتفاق می‌افتد که انسان در مقابل یک دلیل ساکت می‌شود، اما در عمق وجدان خود نوعی تردید نسبت به مدعا احساس می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۸، ۱: ۴۹۵). او در جایی دیگر برای اقتناع، دو مرحله قائل می‌شود و «حکمت و برهان» را مرحله اقتناع فکری و «موعظه و تذکر» را مرحله اقتناع روحی می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۸، ۲: ۴۷۶).

ملاحظه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، این نکته را نشان می‌دهد که قرآن، اقتناع وجدانی و روحی را نیز مدنظر دارد. استفاده گسترده قرآن از ارجاع به فطرت و اهتمام به پاسخ‌گویی از این طریق (ر.ک: طه: ۴۹-۵۵؛ انعام: ۴۰، ۶۳ و ۷۱؛ مائده: ۷۶؛ زمر: ۳۸؛ اسراء: ۹۸-۹۹؛ عنکبوت: ۱۹-۲۰)، یکی از دلایل توجه قرآن به اقتناع روحی است. طرح سؤال و پرسشگری قرآن در مقابل شبهه، (ر.ک: بقره: ۸۰، ۹۱، ۱۱۱ و ۱۷۰؛ آل عمران: ۶۵؛ مائده: ۷۶، ۱۰۴؛ انعام: ۱۴، ۴۰ و ۸۱؛ اعراف: ۱۹۱؛ مریم: ۶۶-۶۷؛ لقمان: ۲۱؛ زمر: ۳۸؛ یونس: ۳۱؛ مؤمنون: ۸۴-۸۸؛ ق: ۶)، در به چالش کشیدن و اقتناع وجدان‌ها بسیار مؤثر است. بسیاری از پاسخ‌های قرآن به شبهات، با موعظه و تذکر همراه است و قرآن تلاش دارد تا در کنار تغذیه فکری و پاسخ استدلالی، روح و جان انسان‌ها را نیز تغذیه کند و این‌ها همه نشان از توجه قرآن به اقتناع روحی و تحقق اقتناع کامل است.

قرآن در مسیر اقتناع، هرگز از ابزارهای نادرست و شیوه‌های منفی تأثیرگذاری که همگی مصادیقی از باطل هستند، استفاده نمی‌کند: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت: ۴۲). به تعبیر علامه طباطبایی، دعوت اسلام و قرآن بر اساس حق صریح است؛ بنابراین، قرآن نمی‌تواند با مقدمات و ابزارهای باطل و نامشروع، اهداف و برنامه‌های خود را تعقیب کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۱۵۵). مسئله عدم استفاده قرآن از روش‌های نامشروع، به عصمت تام و کامل کتاب الهی از هر گونه خطا، لغزش و انحراف نیز بستگی دارد و استفاده از هر وسیله نادرست برای متقاعد کردن مخاطب، در تعارض با عصمت کتاب الهی است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شاکرین، ۱۳۹۲: ۴-۷).



بنابراین همه پاسخ‌های قرآن، تابلو و علائمی برای راهنمایی و هدایت انسان به سوی خدا هستند.

دوم این‌که بسیاری از پاسخ‌های قرآن متضمن تذکر، هشدار و بیدارباش برای مخاطب است (از جمله ر.ک: آل عمران: ۶۵؛ انعام: ۸؛ اعراف: ۷۱ و ۱۸۵؛ یونس: ۱۶ و ۶۷؛ نحل: ۳۶؛ انبیاء: ۳۸-۴۰؛ فرقان: ۲۲-۲۳؛ روم: ۲۸؛ نمل: ۶۸؛ سبأ: ۹) و قرآن در کنار ارائه پاسخ شبهه و اشکال، مسیر و راهی را برای راهنمایی و هدایت مخاطبان خود می‌گشاید و از افتادن در راه‌ها و وادی گمراهی بر حذر می‌دارد. تعبیری مانند «أفلاتتعقلون»، «أفلاتتذكرون»، «سیروا فی الارض فانظروا...» و تعبیر مشابه -که در ادامه پاسخ‌های قرآن به شبهات آمده است-، از توجّه به بیدارسازی و هدایت‌بخشی در ضمن پاسخ‌گویی حکایت دارد.

سوم این‌که قرآن در مواردی که پاسخ به یک شبهه یا سؤال هیچ فایده و اثری در اصلاح و هدایت مخاطب ندارد، از پاسخ به آن منصرف می‌شود و به مسائلی می‌پردازد که فایده‌ای در جهت هدایت و راهنمایی او داشته باشد که نشان از میزان اهتمام و توجّه قرآن به هدایت مخاطب است. این نحوه برخورد با مخاطب و سخن گفتن با او، در علم بلاغت به‌عنوان یک صنعت کلامی مطرح شده و تحت عنوان «التفات» از آن یاد شده است. گفته شده است که به دلیل رعایت شرایط فکری، محیطی و توان علمی مخاطب، گوینده وظیفه دارد تا در گفت‌وگو و پاسخ‌گویی، آنچه برای او مفیدتر است، بگوید (ر.ک: تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۸). آیاتی در قرآن دیده می‌شود که به پرسش مردم از پیامبر ﷺ اشاره دارد، بعضی از مردم سؤال‌هایی را مطرح می‌کردند که شناخت آن‌ها هیچ نتیجه و فایده‌ای برای آن‌ها نداشت و تنها به دنبال پاسخی برای ارضای حس کنجکاوی شخصی خود بودند. در چنین مواردی می‌بینیم که قرآن از رسول خدا ﷺ می‌خواهد تا مسیر پاسخ‌گویی را متوجّه بُعد دیگر قضیه بنماید، بُعدی که فایده‌ای در جهت تصحیح عقاید یا رفتار مخاطب داشته باشد؛ برای مثال، از پیامبر ﷺ درباره هلال‌های ماه می‌پرسیدند: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹)؛ درباره [حکمت] هلال‌ها [ی ماه] از تو می‌پرسند، بگو: «آن‌ها [شاخص] گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند» و نیکی آن نیست که از پشتِ خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در [ورودی] آن‌ها درآید و از خدا بترسید، باشد که رستگار گردید. ظاهراً سؤال آن‌ها از ماهیت تغییر هلال‌های ماه بوده، اما در پاسخ، کاربرد و فواید آن ذکر

شده است. در حقیقت سؤال از ماهیت، به سؤال از فایده و غرض انتقال یافته و به آن سؤال پاسخ داده شده است؛ زیرا مخاطب در وضعی نبود که بتواند به اوضاع فلک و گردش ستارگان آشنایی پیدا کند و آن را تحلیل نماید. بنابراین آنچه برای مخاطب در شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی عصر نزول مورد نیاز است، فواید و کاربرد آن است نه چیستی آن؛ پس در ادامه آیه تذکر می‌دهد که «وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا...» (و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید)، اشاره به آن‌که چنین سؤال‌های غیرمفید مثل آن است که آدمی راه اصلی و ساده را رها کرده و از نقبی که پشت دیوار زده شده است، وارد شود (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۲: ۵۰۹) یا از پیامبر ﷺ می‌پرسیدند: چه چیز را انفاق کنیم؟ پاسخ وحی مشخص‌کننده کسانی است که باید مورد انفاق قرار بگیرند.<sup>۱</sup> در واقع سؤال از چیزهایی است که باید انفاق شود و پاسخ موارد مصرف آن را بیان کرده است؛ زیرا در صدقه آنچه مهم است کسانی هستند که باید به آن‌ها انفاق کرد و شیء مورد انفاق اهمیتی ندارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۲۴۰).

در مورد شبهات نیز در مواردی چنین برخوردی صورت گرفته است؛ یعنی پاسخ به سمتی سوق داده شده است تا در مسیر هدایت و ارشاد مخاطب قرار بگیرد. به‌عنوان نمونه برخی از مشرکین در مورد مسئله معاد، این شبهه را مطرح می‌کردند که اگر واقعاً معاد حق است و پیامبر ﷺ در ادعای خود صادق است، زمان آن را مشخص سازد: «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ»؛ و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟ بگو: میعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن پس توانید رفت و نه پیشی توانید جست (سبأ: ۲۹-۳۰) و «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟ بگو: برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد. هر امتی را زمانی [محدود] است. آن‌گاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی [از آن] تأخیر کنند و نه پیشی گیرند (یونس: ۴۸-۴۹).

۱. «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَاللَّذِينَ الْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، مسکینان و در راه‌مانده تعلق دارد و هر گونه نیکی کنید، البته خدا به آن دانا است (بقره: ۲۱۵).

پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ، از تعیین وقت اعراض نموده و به بیان ضرورت و حتمیت وقوع آن پرداخته است. امری که به لحاظ اهمیت و بزرگی آن لازم است که همه افراد، توجه و فکر خود را به اصل وقوع آن معطوف سازند، نه وقت و زمان آن که از امور غیبی است و غیر از خداوند متعال هیچ کس به آن آگاهی ندارد.<sup>۱</sup>

### ۳. توجه به مخاطب

یکی از شاخصه‌های پاسخ موفق به هر سؤال و شبهه‌ای، توجه به مخاطب و در نظر گرفتن شرایط و خصوصیات مخاطب است. بدون لحاظ ویژگی‌ها و شرایط مخاطب نمی‌توان انتظار تحقق اهداف پاسخ‌گویی را داشت. در قرآن این مسئله نقش و تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و تعیین روش و محتوای پاسخ قرآن به شبهات دارد. توجه قرآن به مخاطب، تنها به معنای توجه به مخاطبان عصر نزول نیست، بلکه ملاحظه و در نظر گرفتن همه مخاطبانی است که در طول قرن‌ها و عصرهای مختلف، مخاطب قرآن بوده و خواهند بود. با دقت در پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، می‌توان به نکات و نتایجی دست یافت که نشانگر توجه و عنایت قرآن به مخاطب در مقام پاسخ‌گویی است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۳-۱. گوناگونی روش‌ها

قرآن کریم از روش‌های گوناگونی برای پاسخ به شبهات اعتقادی استفاده کرده است. روش‌هایی مانند نقد و ردّ مبنای شبهه، نقد و ردّ لوازم شبهه، برهان خلف، پاسخ نقضی، ارائه مثال، نشان دادن تنافی در عقاید شبهه‌کننده، سبر و تقسیم، روش حسی و تجربی، ارجاع به فطرت، احتیاط عقلی، اولویت، استدلال به وقوع، مطالبه دلیل و... (ر.ک: افقی، ۱۳۹۷: ۹۸-۱۹۹). یکی از دلایل عمده این گوناگونی و تعدّد روش‌ها، توجه قرآن به مخاطب است. قرآن کریم با توجه به شرایط و ویژگی‌های مخاطبان خود و ملاحظه برخی امور دیگر، روش

۱. گفتنی است که در مورد آیه سوره یونس بین مفسران اختلاف است. برخی مراد از «الوعد» را روز قیامت و معاد دانسته‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۳۸۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۵: ۱۷۳)؛ در مقابل برخی دیگر وعد را به وعده نزول عذاب در دنیا تفسیر نموده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۰: ۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ۱۷: ۲۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۱۲۴)؛ اما در مورد آیه سوره سبأ اختلافی نبوده و قریب به اتفاق مفسران آن را به وعده وقوع قیامت و معاد تفسیر کرده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۸: ۶۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۳۷۷؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ۲۵: ۲۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۳۱۸).



خاصی را برای پاسخ‌گویی برگزیده است. به تعبیر دیگر، تنوع مخاطبان با استعدادها، ظرفیت‌ها، تمایلات و گرایش‌های مختلف می‌طلبد تا پاسخ‌گو با لحاظ این تنوع و گوناگونی، شیوه‌های متنوعی را به کار بگیرد و این مهم در قرآن به نحو احسن مورد توجه قرار گرفته است و دلیل آن تنوع بسیارِ روش‌های استفاده‌شده در قرآن است.

### ۲-۳. ارائه پاسخ‌های متعدّد به یک شبهه

قرآن‌کریم در مواردی برای پاسخ به یک شبهه، از دو یا چند نوع پاسخ استفاده کرده است. به نظر می‌رسد عامل اصلی در این مسئله، توجه داشتن به تنوع مخاطبان و در نظر گرفتن اختلاف در ظرفیت و اندازه فهم و درک مخاطبان است، البته پاسخ‌های متنوع قرآن پاسخ‌هایی هماهنگ، هم‌سو و مکمل هستند که یکدیگر را تقویت و پشتیبانی می‌کنند و بین آن‌ها تنافی وجود ندارد؛ به‌عنوان نمونه، قرآن در مواجهه با مسیحیان و در پاسخ به شبهه الوهیت حضرت مسیح علیه السلام با استفاده از روش‌هایی چون ارجاع به فطرت (ر.ک، مائده: ۷۶)، نشان دادن تنافی در عقاید و ادعاهای (نساء: ۱۷۲؛ مائده: ۱۷ و ۷۵)، نشان دادن لوازم غیرقابل قبول این ادعا (مائده: ۷۶) و هشدار نسبت به عواقب این اعتقاد و برحذر داشتن از آن (مائده: ۷۳)، پاسخ‌های گوناگونی به آن‌ها ارائه کرده است. برخی از این پاسخ‌ها جنبه منطقی و استدلالی، برخی نیز جنبه وجدانی و شهودی و برخی دیگر جنبه روان‌شناختی و احساسی دارند؛ بنابراین پاسخ‌های متنوع قرآن می‌توانند همه مخاطبان را با شخصیت و گرایش‌های مختلف پوشش دهند.

نمونه دیگر پاسخ‌های متعدد قرآن به یک شبهه، در سوره مبارکه «ق» است. در آیه سوم این سوره، شبهه مشرکان درباره معاد مطرح شده است: ﴿أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكُمْ رَجْعٌ بَعِيدٌ؟ أَيْآ چُون مُرْدِيم وَ خَاكٌ شَدِيم [زنده می‌شویم]؟ این بازگشتی بعید است.

قرآن در آیات ۴ تا ۱۵ سوره ق، به این شبهه و استبعاد مشرکان چند پاسخ ارائه نموده است؛ از جمله پاسخ با اشاره به عمومیت علم و قدرت الهی (ق: ۴)، پاسخ با استفاده از روش حس و مشاهده و تذکر آیات الهی (ق: ۶-۱۰)، پاسخ با ارائه نمونه و تشبیه (ق: ۱۱) و پاسخ با روش اولویت (ق: ۱۵). در این‌جا نیز پاسخ‌گویی قرآن تنوع مخاطبان را لحاظ کرده و پاسخ‌های متنوع با گرایش‌های عقلی و ذهنی، حسی و تجربی و فطری و شهودی ارائه نموده است.

یکی از شبهه‌های مشرکان در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که می‌گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود و زندگی عادی مثل بقیه مردم دارد؛ در حالی که رسول

نمی‌تواند از جنس بشر باشد (ر.ک: اسراء: ۹۴؛ فرقان: ۷). قرآن در آیه ۲۰ فرقان با روش پاسخ نقضی و در آیه ۹۵ اسراء با روش ردّ مبنای شبهه به آن پاسخ داده است. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود (ر.ک: بقره: ۲۵؛ انبیاء: ۳-۱۰؛ طور: ۳۵-۴۳؛ واقعه: ۵۸-۷۳).

### ۳-۳. توجه به مخاطب در انتخاب تعابیر پاسخ

از دیگر نشانه‌های توجه قرآن به مخاطب در پاسخ‌گویی به شبهات، روان بودن پاسخ‌ها و خالی بودن آنها از تعابیر پیچیده و مشکل است. این ویژگی کل قرآن است که تعابیر و الفاظ آن به گونه‌ای است که همه مخاطبان به اندازه فهم خود می‌توانند از معارف آن بهره ببرند (ر.ک: قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰). در ادامه توضیح این موضوع خواهد آمد.

### ۳-۴. عدم تحریک مخاطب و دوری از اهانت به او

از نکاتی که توجه قرآن به مخاطب را نشان می‌دهد، این است که قرآن سعی می‌کند در کمال آرامش و به دور از سخنان تحریک‌آمیز، پاسخ شبهه را ارائه دهد. همچنان‌که پیش‌تر اشاره شد، قرآن به دنبال اقناع مخاطب است؛ بنابراین از موانع حصول اقناع در مخاطب که یکی از آنها تحریک و اهانت به او است، خودداری می‌کند. این مسئله در واقع توجه به مخاطب از حیث روحی و روانی است که در ادامه، به عنوان یک ویژگی مستقل، به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

### ۴. استحکام و اتقان در عین ساده و روان بودن پاسخ‌ها

از شاخصه‌های پاسخ موفق به سؤال و شبهه، استحکام و اتقان آن است. پاسخی که همراه تردید باشد و مخاطب به راحتی در آن اشکال و خدشه وارد کند، به هیچ وجه کارایی لازم را نخواهد داشت. تمامی پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، محکم و متقن و غیر قابل خدشه و تردید است. الهی و خدابنیاد بودن پاسخ‌های قرآن، باعث شده است تا محتوا و الفاظ پاسخ‌ها، همانند دیگر اجزا و بخش‌های قرآن از هر گونه ضعف، سستی و اشکال مبرا باشد.

در کنار این استواری و اتقان، پاسخ‌های قرآن از وضوح و روانی ویژه‌ای در انتقال مفاهیم برخوردار هستند و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاص مباحث علمی را ندارند؛ به طوری که افراد به سهولت می‌توانند آن را درک کنند. این مسئله با جامع و جاودانی بودن قرآن برای هدایت و

راهنمایی بشر هماهنگ است. از این رو مشاهده می‌شود که قرآن برخی از روش‌های پاسخ‌گویی را بیشتر مورد توجه قرار داده است. روش‌هایی چون ارائه مثال و ارجاع به فطرت و روش حسی و تجربی، روش‌هایی هستند که معمولاً عموم مردم می‌توانند به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. قرآن حتی در مواردی که با استدلال عقلی به شبهه پاسخ می‌دهد نیز از تعابیر و مفاهیم مشکل و پیچیده استفاده نمی‌کند.

در این جا به عنوان نمونه، به یک مورد اشاره می‌کنیم: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران: ۶۵)؛ ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم محاجه می‌کنید، با آن‌که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی‌کنید؟

اهل کتاب درباره حضرت ابراهیم علیه السلام مجادله و نزاع داشتند و هر کدام او را از خود می‌دانستند؛ در واقع به این طریق می‌خواستند حقایق خود را اثبات کنند. قرآن در این آیه با استفاده از یک استدلال ساده و روشن و در عین حال، استوار و متقن، سخن و ادعای آنان را رد نموده است. قرآن می‌فرماید که لازمه یهودی یا مسیحی بودن حضرت ابراهیم علیه السلام آن است که دین یهودیت و مسیحیت قبل از حضرت ابراهیم علیه السلام باشند و تورات و انجیل پیش از آن حضرت نازل شده باشند؛ در حالی که این دو شریعت و کتاب‌هایشان بعد از حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است. این استدلال قرآن، بسیار واضح و متین است و هر انسانی به سادگی آن را درک و تأیید می‌کند و به معقول نبودن ادعای اهل کتاب اذعان می‌کند.

ملاحظه پاسخ‌های دیگر قرآن به شبهات نیز نتیجه‌ای غیر از آنچه گفته شد، به دست نمی‌دهد (ر.ک: بقره: ۱۷۰؛ انعام: ۱۴ و ۴۰ و ۸۰؛ مائده: ۷۶ و ۱۰۴؛ زمر: ۳۸؛ مریم: ۶۶-۶۷ و...).

## ۵. محوریت دلیل و برهان

پاسخ مؤفق پاسخی است که بر پایه دلیل و برهان بنا نهاده شده باشد. تکیه بر دلیل و برهان، در همه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی موج می‌زند و تمامی پاسخ‌های قرآن مبتنی بر منطق و استدلال است. هیچ پاسخی را نمی‌توان در میان پاسخ‌های قرآن به شبهات پیدا کرد که بر دلیل و اقامه حجّت، استوار نباشد (برای توضیح بیشتر ر.ک: افقی، ۱۳۹۷: ۸۷-۹۰). گرچه در برخی از روش‌های پاسخ‌گویی قرآن جنبه عقلی دارای ظهور و نمود بیشتری است؛ مثل برهان خلف، اولویت، استدلال به وقوع و برخی دیگر، اما دیگر روش‌ها نیز مبتنی بر اقامه دلیل و

حجّت است؛ چراکه دلیل، منحصر در دلیل عقلی نیست و قرآن علاوه بر آن، از دلایل حسی و شهودی نیز استفاده می‌کند.

نکات زیادی را می‌توان از قرآن برشمرد که بر محوریت دلیل و برهان در همه ابعاد آن، به‌ویژه در پاسخ‌گویی قرآن به شبهات دلالت دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

**نکته اول:** قرآن کریم در مواردی در مقام پاسخ به شبهه‌گران، از آنان می‌خواهد که برای ادّعی خود دلیل و برهان اقامه کنند (ر.ک: بقره: ۱۱۱؛ یونس: ۶۸؛ نمل: ۶۴؛ صافات: ۱۵۶-۱۵۷؛ انعام: ۱۴۸ و...). تعبیر «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» در برخی از آیات قرآن (بقره: ۱۱۱؛ انبیاء: ۲۴؛ نمل: ۶۴؛ قصص: ۷۵)، در مطالبه و تأکید بر اهمّیت و محوریت دلیل و برهان صراحت دارد. مفسران، برهان را در این عبارت به حجّت و دلیل معنا کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۴۱۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱: ۳۵۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۲۷۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۹۲؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ۴: ۶ و...)، البته برخی قید افاده علم و یقین را نیز بدان افزوده‌اند؛ یعنی برهان، دلیلی است که مفید علم و یقین باشد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۲۳۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۷: ۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۲۷۳). برخی از مفسران معتقدند این تعبیر قرآنی روشن‌ترین دلیل بر بطلان تقلید در اعتقادات است؛ زیرا اگر تقلید جایز بود، قرآن مخاطب را ملزم به ارائه حجّت و دلیل نمی‌کرد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۲۳۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۷: ۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق، ۴: ۶).

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، آن حضرت با اشاره به تعبیر قرآنی فوق «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» اشاره فرمودند که اقامه دلیل و برهان، یکی از ویژگی‌های جدال احسن است (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۱۷).

گفتنی است که اصطلاح «برهان» در قرآن، وسیع‌تر از معنای این اصطلاح در منطق است. در منطق، برهان عبارت است از دلیل عقلی که از مقدمات یقینی تألیف یافته و به صورت منتج درآمده است که به آن قیاس واجد الشرایط می‌گویند؛ اما در قرآن همچنان که از برخی مفسران نقل شد، به معنای حجّت و دلیل یقین‌آور است و این مطلب اختصاص به دلیل عقلی ندارد، همان‌طور که قرآن در مواردی آن را بر حجّت و علم شهودی اطلاق کرده است؛ از جمله در آیه‌ای از سوره یوسف: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ...»؛ و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد (یوسف: ۲۴).

به یقین برهانی که حضرت یوسف علیه السلام از پروردگار خود دید، دلیل عقلی نبوده و به تعبیر علامه طباطبایی از سنخ علوم متعارف نبوده، بلکه نوعی از علوم مکشوف و یقین مشهود و دیدنی بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۱۲۹).

در جایی دیگر از قرآن، برهان بر معجزه اطلاق شده است: «اسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ دست خود را به گریبان بیاورد تا سپید بیرون بیاید و [برای رهایی] از این هراس بازویت را به خویشتن بچسبان. این دو [نشانه] دو برهان از جانب پروردگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری]؛ زیرا آنان همواره قومی نافرمانند (قصص: ۳۲).

**نکته دوم:** در آیه‌ای از سوره انعام، بلافاصله پس از پاسخ به شبهه جبر - که از سوی مشرکان مطرح شده بود-، آمده است: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام: ۱۴۹). حجت بالغه به معنای دلیل رسا و قاطع است، دلیلی که مبتنی بر حق بوده و با افاده علم و یقین، هر گونه عذر و بهانه و شبهه را برطرف می‌سازد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۳۱۱؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۴: ۵۸۸). از این آیه و آیات بسیار دیگر برمی‌آید که خداوند، بندگان خود را مجبور به ایمان نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۷: ۳۶۷) و در واقع ایمانی نمی‌خواهد که از مسیر و مدار حجت و دلیل نگذشته باشد؛ چراکه خداوند در مورد همه مسائل اقامه دلیل و برهان نموده است، هم به وسیله پیامبران و هم به وسیله عقل. اقامه دلیل، فرستادن پیامبران، دعوت و تبلیغ نشانگر آن است که خداوند از انسان، هدایت و ایمان اختیاری می‌خواهد. بنابراین طبق دیدگاه قرآن، پاسخ به شبهات اعتقادی که نوعی دعوت به ایمان و هدایت است نیز بایستی با محوریت دلیل و برهان باشد و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اقناع مخاطب در قرآن در همه مسائل و به‌ویژه در پاسخ به شبهات اعتقادی در چارچوب آزادی و اختیار انسان صورت می‌گیرد و این مطلب جز با تکیه بر دلیل و برهان، امکان‌پذیر نیست.

**نکته سوم:** «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنِ بَيِّنَةٍ»؛ تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند (انفال: ۴۲). مفسران هلاکت و حیات را در این آیه، به گمراهی و هدایت تفسیر کرده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۴: ۸۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۹: ۹۲). این تعبیر بلند قرآنی به روشنی محوریت دلیل و حجت را می‌رساند و این‌که هدایت‌گری قرآن - که پاسخ به

شبهات بخشی از آن محسوب می‌شود-، بر اساس دلایل روشن و اقامه برهان صورت می‌گیرد.

**نکته چهارم:** آیاتی از سوره انعام (۷۴-۸۲) به جریان گفت‌وگو و مناظره حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکان اختصاص دارد که در آن‌ها حضرت ابراهیم علیه السلام به شبهات مشرکان پاسخ داده و عقاید نادرست آن‌ها را رد نموده است. قرآن به دنبال آن آیات، درباره آنچه به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شده تا به وسیله آن با مخالفان مواجه شود، بر آنان احتجاج کند و به شبهات و سؤال‌های آن‌ها پاسخ دهد، از تعبیر «حجت» استفاده کرده است: «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ» (انعام: ۸۳) که دلالت بر تکیه ابراهیم علیه السلام بر دلیل و برهان دارد. این مسئله به حضرت ابراهیم علیه السلام اختصاص ندارد، بلکه همه فرستادگان الهی با دلیل و منطق با مردم مواجه می‌شدند و تکیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اکمل انبیای الهی و قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب الهی، همواره و از جمله در پاسخ‌گویی به مخاطبان بر دلیل و برهان بوده است.

## ۶. ارائه پاسخ در فضایی آرام و به دور از تشنج

ملاحظه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی نشان می‌دهد که قرآن در همه این موارد، فضایی آرام و به دور از تشنج، فشار عصبی و خشونت را طراحی و فراهم می‌سازد. این فضا برای حصول نتیجه مطلوب از پاسخ‌گویی، لازم و ضروری است و قرآن، همواره سعی دارد تا در چارچوب روش‌هایی صحیح و در قالب تعابیر و الفاظ مناسب، این فضا و جو بدون تنش را مهیا ساخته و حفظ کند؛ همچنان‌که قبل از این نیز اشاره شد، هدف قرآن از پاسخ به شبهات تنها اسکات، شکست و به حاشیه راندن مخاطب نیست، بلکه قرآن با ایجاد زمینه و فضای اندیشه‌ای می‌خواهد تا مخاطب را متقاعد کرده و در مسیر حق و هدایت قرار دهد و این نیازمند برخوردی ملایم، همراه با آرامش و مهربانی و سخنانی محبت‌آمیز و به دور از تشنج است. قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد تا بدی مخالفانش را با بهترین شیوه دفع کند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» (مؤمنون: ۹۶). شبهه را می‌توان یکی از مصادیق «السَّيِّئَةِ» دانست که لازم است با شیوه‌ای نیکو دفع گردد. وقتی موسی و هارون مأموریت می‌یابند تا به نزد فرعون بروند، خداوند دستور می‌دهد تا با نرمی و ملایمت با او سخن بگویند: «ادْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه: ۴۳-۴۴)؛ از این رو در پاسخ‌گویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی به مخالفان و شبهه‌کنندگان، مشاهده می‌شود که پاسخ‌ها از هر گونه حالت تشنج، خشونت و فشار عصبی به دور هستند.

برای تصوّر و درک فضای مثبت و سازنده ایجادشده از سوی قرآن، خواننده محترم می‌تواند با نگاهی هر چند کوتاه و اجمالی، به روش‌ها و آیاتی که قرآن از طریق آن‌ها به شبهات اعتقادی پاسخ داده، این فضای آرام و به دور از تشنج، خشونت و فشار عصبی را در آن‌ها مشاهده و لمس کند؛ به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

۱- قرآن در جایی که مخالفان عصبانی و کینه‌جو، پیامبر ﷺ را به جنون متّهم می‌کنند، از فضای خصومت و خشونت آنان فاصله می‌گیرد و با ترسیم فضایی آرام و به دور از تشنج، به پیامبر ﷺ می‌فرماید که با آنان این‌گونه سخن بگوید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثَنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾؛ بگو: من فقط به شما يك اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ‌گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیست (سبأ: ۴۶).

در واقع قرآن از پیامبر ﷺ می‌خواهد که مخالفان را به فضایی آرام برای تفکر بکشاند تا با اندیشه و خردورزی دریابند که هیچ اثری از جنون در ایشان نیست، بلکه او فرستاده خدا است تا آنان را هدایت کند و نجات دهد.

۲- ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَجْرِمُونَ﴾؛ یا [درباره قرآن] می‌گویند: آن را برافته است. بگو: اگر آن را به دروغ سر هم کرده‌ام، گناه من بر عهده خود من است و [لی] من از جرّمی که به من نسبت می‌دهید برکنار هستم (هود: ۳۵).

مخالفان و تکذیب‌کنندگان پیامبر ﷺ همواره از گفت‌وگو و مذاکره معقول و آرام با ایشان طفره می‌رفتند؛ چراکه نتیجه این‌گونه گفت‌وگو، اثبات و آشکار شدن اشتباه و گمراهی آنان بود. بنابراین سعی می‌کردند تا با شبهه‌پراکنی در قالب تهمت و دادن نسبت‌های دروغ، پیامبر اکرم ﷺ را در وضعیت نادرست و اشتباه قرار دهند و ایشان را به مقابله بکشاند و از حالت سکون و آرامش خارج ساخته و وارد فضای خشونت و خصومت کنند (ر.ک: فضل‌الله، ۱۳۸۰: ۲۲۰). فضایی که قرآن در پاسخ به مخالفان پیامبر ﷺ طراحی کرده، آنان را از رسیدن به مقصود خود ناکام گذاشته است. قرآن از پیامبر ﷺ می‌خواهد تا در حالتی سرشار از آرامش و ملایمت، همراه با اطمینان و قدرت با کافران مواجه شود: ﴿قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَجْرِمُونَ﴾. این نوع مواجهه باعث می‌شود تا مخالفان و همه مخاطبان قرآن، به تأمل و تفکری عمیق در

صحت و حقیقت دعوت و رسالت پیامبر ﷺ فروروند.<sup>۱</sup>

آنچه گفته شد، مهم‌ترین شاخصه‌های پاسخ‌گویی موفق به شبهه بود که با ملاحظه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، نحوه به‌کارگیری آن‌ها در قرآن مورد بررسی قرار گرفت. قطعاً پاسخ‌های قرآن شاخصه‌های دیگری نیز دارند که در این جا به جهت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری کرده و به بیان مهم‌ترین آن‌ها اکتفا شد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا شاخصه‌های پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی و شیوه کاربست آن‌ها در قرآن، کشف و تحلیل شود. این شاخصه‌ها، مهم‌ترین ویژگی‌های تمامی پاسخ‌های قرآنی هستند که با اهداف و انتظارات قرآن از پاسخ به شبهات، هم‌سو هستند و در راستای تحقق آن‌ها قرار دارند. آشنایی با این شاخصه‌ها می‌تواند الگویی برای کسانی باشد که دغدغه پاسخ‌گویی موفق به سؤال‌ها و شبهه‌ها را دارند. با بررسی و تحلیل پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، نتایج ذیل به دست آمد:

- ۱- قرآن در عین پاسخ و ردّ شبهه، راهنمایی و هدایت مخاطب را نیز مدنظر دارد. ویژگی هدایت مخاطب در فحوای تمامی پاسخ‌های قرآن لحاظ شده است.
- ۲- «اقناع» به معنای متقاعد کردن مخاطب، فرآیندی ارتباطی است که هدف اساسی آن، انتقال محتوا با اثرگذاری و ایجاد تغییر در مخاطب است و بخش مهمی از موفقیت پاسخ‌گویی منوط به آن است. همه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، واجد این ویژگی هستند. اقناع قرآنی، اقناعی کامل با ابزارهای مشروع و صحیح است که در چارچوب اختیار و آزادی انتخاب مخاطبان صورت می‌گیرد.
- ۳- توجه به مخاطب و در نظر گرفتن شرایط و خصوصیات او نقش و تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و تعیین روش و محتوای پاسخ‌گویی قرآن به شبهات دارد.
- ۴- پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی، فوق‌العاده مستحکم، متقن و غیرقابل خدشه و تردید است. در کنار این استواری و اثقان، از وضوح، روشنی و روانی ویژه‌ای در انتقال مفاهیم برخوردار است و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاص مباحث علمی را ندارد.

۱. مشابه این نوع آیات در قرآن بسیار است؛ از جمله یونس: ۴۱؛ روم: ۲۸؛ سبأ: ۲۴، ۲۵ و ۵۰؛ زخرف: ۲۳-۲۴.



- ۵- تکیه بر دلیل و برهان در همه پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی موج می‌زند و تمامی این پاسخ‌ها، مبتنی بر استدلال و اقامه حجّت است.
- ۶- قرآن کریم پاسخ‌های خود را در فضایی آرام و به دور از تشنج، فشار عصبی و خشونت، طراحی و ارائه می‌کند تا مخاطب در این فضای توأم با آرامش و مهربانی، مجالی برای تفکر داشته باشد.

## منابع

### قرآن مجید.

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳. ابن فارس، محمد، (۱۳۷۸)، *ترتیب مقایس اللغة، ترتیب و تنقیح: علی عسکری و حیدر مسجدی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. افقی، داوود، (۱۳۹۷)، *الگوی قرآنی پاسخ به شبهات اعتقادی*، تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
۶. افقی، داوود و برنجکار، رضا، (۱۳۹۳)، «بررسی اقناع مخاطب در پاسخ‌گویی قرآن به شبهات اعتقادی»، *تحقیقات کلامی*، ش ۷، ۱۱۳-۱۲۸.
۷. برنجکار، رضا، (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی علم کلام*، قم، مؤسسه دارالحدیث و انجمن کلام اسلامی حوزه.
۸. پراتکانیس، آنتونی و الیوت آرنسون، (۱۳۷۹)، *عصر تبلیغات، استفاده و سوءاستفاده روزمره از اقناع*، ترجمه: کاووس سیدامامی و محمدصادق عباسی، تهران، سروش.
۹. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۱۱ق)، *مختصر المعانی*، قم، دارالفکر.
۱۰. تهنوی، محمدعلی، (۱۹۹۶)، *موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، چاپ اول، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون.
۱۱. جرجانی، میرسیدشریف، (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، تحقیق: بدرالدین نعلسانی، قم، الشریف الرضی.
۱۲. حاجی‌پور، حسین و حسینی، سیدمحمدجواد، (۱۳۹۲)، *قرآن و مبانی گفت‌وگو*، قم، فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
۱۳. خندان، علی اصغر، (۱۳۸۰)، *مغالطات*، قم، بوستان کتاب.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم، زیر نظر: محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. رازی، فخرالدین، (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الکبیر*، قم، مکتب الاعلان الاسلامی.
۱۶. سجادی، جعفر، (۱۳۷۳)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، دانشگاه تهران.

۱۷. شاکر، محمدکاظم و حاجی پور، حسین، (۱۳۹۱)، «بازتعریف اقتناع اندیشه مخاطب از منظر قرآن کریم»، پژوهش نامه قرآن کریم، ش ۱۵.
۱۸. شاکرین، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، «عصمت تام قرآن و برون دادهای آن»، ماهنامه معارف، ش ۹۷.
۱۹. صاحب بن عباد، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق: محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، أبوعلی الفضل بن الحسن، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفة.
۲۲. طبرسی، أبو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، (۱۴۱۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، تحقیق: ابراهیم البهادری و محمد هادی به، تهران، دارالاسوة.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتبة الاعلام الاسلامی.
۲۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم، هجرت.
۲۷. فضل الله، محمد حسین، (۱۳۸۰)، *گفت وگو و تفاهم در قرآن کریم*، ترجمه: سیدحسین میردامادی، تهران، انتشارات هرمس.
۲۸. لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۴۲۶ق)، *شوارق الالهام*، قم، مؤسسه امام صادق.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.